



کتابخانه تخصصی فارسی  
میزند و پاسخ گوید و باز جواب رسید که شاه

مخالف است و می گوید بپرید جای دیگر!«  
اندوه حاضران چند برابر شد و سرانجام  
مردم مصمم تهران جنازه را برداشته گرفتند و  
به سمت «ابن بابویه» حرکت کردند تا جسد  
علامه خود را در جوار تربیت شهیدان سیام  
تیرماه به یادگار گذارند.  
در این بابویه باران بیدامی کرد. نماز میت  
به امامت عزیز مرد دیگری از قزوین، مرحوم  
حاج سیدضیاءالذین حاج سیدجوادی اعلی الله  
مقامه برگزار گردید.

ادبیات را با کمک دانشجویان دیگر تعطیل  
کردیم و همه به خیابان ایرانشهر آمدیم تا در  
مراسم تشییع جنازه شرکت کنیم. بسیاری از  
«افاضل علما و ادبا» از ترس نیامده بودند، چه  
زنانی که خیر مرگ دهخدا را به شاه گفته  
بودند. نابخردانه پاسخ داده بود:  
«بدرک که مُرد، می خواست رئیس  
شورای سلطنت بشود».

آسمان می گریست و مردم می گریستند،  
قطرات باران و اشکهای سوختگان راه حقیقت  
عجیب با هم همسفر می شدند. ما جوانهای آن  
روز بی اغراق نیمی از بدتمان گل آلود شده بود.  
و آب باران از سر و گردنمان می ریخت و  
بزرگان ما نیز در آن روز چه شکوهی داشتند.  
پس از مراسم خاکسپاری، حاضران از  
استاد در گذشته خود تودیع کردند، اما عنادشاه  
با مرد فرهنگ و ادب ایران بغض شدیدی در  
دل همه آنان خاصه جوانان و دانشجویان ایجاد  
کرده بود.»

اما مردان وفادار و سنی چند از روحانیان  
آزاده و دانشجویان و کسبه و بازاریان، احترام  
استاد را بر تهدید رژیم برتری داده و برای  
رداع با او در خانه اش که سالیان دراز، کنون  
جوشان فرهنگ ایران زمین بود، حاضر شدند.  
در آغاز تصمیم بر این بود که جنازه را به  
مسجد سهسالار قدیم ببرند و از آنجا تشییع به  
عمل آید. مرحوم اللهبیار صالح به خواهش  
دوستان به حسین علاء وزیر دربار تلفن زد و  
طبق معمول نوعی اجازه خواهی کرد. حسین  
علاء گفت: «از شاه می پرسم و اطلاع می دهم»  
پس از مدتی اطلاع داد که اجازه نفرمودند و  
گفتند از مسجد مجد یا جای دیگر تشییع کنند».  
حاضران مجلس که اندوهگین شده بودند،  
خواستند استاد در گذشته خود را در کنار قبر  
مفسر بزرگ شیعه، ابوالفتح رازی در سوار  
حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپارند.  
همانجایی که یار دیرین دهخدا، مرحوم علامه  
قزوینی، مدفون است. باز از آقای صالح  
خواسته شد تا با حسین علاء تماس برقرار  
نمود این بار هم قرار شد وزیر دربار از شاه

مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر  
ما همچنان در اوّل وصف تو مسانده ایسم

منابع و مأخذ:  
۱ - مقدمه لغت نامه.  
۲ - مقدمه کزیده امثال و حکم از دکتر محمد پیرسیاف.  
۳ - دهخدای شاعر - ولی الله درودیان.  
۴ - از صبا تا نیما - یعنی آیین بور.  
۵ - مجله آینده - شماره های ۷ - ۹.  
۶ - محقق قزوینی - دهخدا مرد علم و عمل - مجله کار  
و دانش.  
۷ - فراموش خانه و فراموشگری در ایران - اسماعیل  
راتین  
۸ - دکتر مصدق و دهخدا، محیط طباطبائی، مجله آینده  
همان شماره.  
۹ - یاد دغو به خیر، ابوالقاسم حالت همان مأخذ.

# نگاهی به شیوه آموزش اهلای فارسی و نگارش

□ علی رفعی جیردهی

نام کتاب: شیوه آموزش اهلای فارسی و  
نگارش (برای معلمان مدارس ابتدایی)  
مؤلف: احمد احمدی بیرجندی  
ناشر: دفتر امور کمک آموزشی و  
کتابخانه ها، سازمان پژوهش و برنامه ریزی  
آموزشی وزارت آموزش و پرورش  
چاپ: اول، ۹۶ صفحه، قیمت ۲۱۰ ریال

استاد احمد احمدی بیرجندی از  
صاحب نظران بنام و از دلسوزان مخلص ادب  
پارسی است که در معرفی ایشان قلم زدن زیره  
به کرمان بردن است. ایشان در این اثر ارزشمند  
کوشیده اند و خواسته اند تا آموزگاران زبان  
ادب پارسی را رهنمون شوند. ضمن آرزوی  
توفیق روزافزون برای آن بزرگ و همکاران  
زحمتکش دفتر کمک آموزشی؛ باپوزش،  
نکاتی را به عرض می رسانم:

۱ - چنانکه از نام کتاب بر می آید انتظار  
می رود آموزگاران زبان و ادب فارسی را  
رهنمون شده، همکاران دوره ابتدایی بیش از  
همه از آن سود جویند، در حالیکه چنین نیست  
و بیشتر مطالب کتاب درخور دبیرستان می باشد



و مثالها و شواهد بندرت در سطح ابتدایی است. به عنوان مثال بند دوم ص ۲۳ و نمونه دیکته در ص ۲۵ از کتاب سوم دبیرستان است و ..

۲ - در ص ۱۶ بند ۳ املا و نگارش را با ویراستاری به زبان امروز، مساوی دانسته‌اند ولی در ص ۱۴ بند ۲ ویراستاری را آنگونه توصیف کرده‌اند که با نقادی در آمیخته است. ۳ - جناب استاد، خواسته یا ناخواسته واژگان عربی زیادی را به کار برده‌اند. مثلاً در ص ۲۱ که ۲۶ سطر است بیش از ۱۰۰ واژه عربی به کار رفته است و «هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری» و چنین است در ص ۳۹ و بسیاری از صفحات دیگر.

۴ - گاه نمونه‌ها یا مثالها بی‌مأخذ است نظیر دو نمونه‌ای که در ص ۲۴ آمده است و همچنین است آیات و مصراعهای ذکر شده. ۵ - در ص ۲۵ بند آخر سطر دوم آمده است: «اینکه مقداری لغات دشوار را جدا از بافت کلمه به دانش‌آموزان یاد می‌دهند...» که «بافت کلمه» اشتباه چاپی است و «بافت جمله» درست است.

۶ - ص ۳۸ و ۳۹ شماره ۱۶ تمامی مثالها واژه‌های صرف عربی است آن هم بالاتر از سطح دبیرستان چه رسد به ابتدایی!

۷ - ص ۴۰ شماره ۴ آمده است «معلم می‌تواند گاهگاهی دیکته‌ها را در خسارچ از کلاس تصحیح کند به شرط اینکه لغات صحیح را با خط قرمز و خوانا و روشن در حاشیه دیکته یادداشت نماید.» که منظور صحیح لغات غلط است.

۸ - ص ۴۳ بند (ه) در مورد متصل و منفصل نوشتن برخی کلمات سخن رفته است و چه به جا بود اگر استاد در اینجا، یا هر جای مناسب دیگر، در مورد چگونه خواندن این گونه کلمات همکاران خود را راهنمایی می‌فرمودند.

۹ - ص ۴۳ بند (و) از حذف یای ابرتر

سخن رفته است ولی از (ی) بجای یای ستر چیزی نگفته‌اند.

۱۰ - ص ۴۴ شماره ۳ قسمت (ج) از سجاوندی سخن به میان آمده است که به ابتدایی ارتباطی ندارد.

۱۱ - ص ۴۷ بخش ۸ جز دو سه خط که مربوط به ادب فارسی است بقیه مربوط به اشتقاق در زبان عربی است.

۱۲ - ص ۵۸ ظاهراً بیتی آمده است ولی در حقیقت دو مصراع مختلف‌اند که بهتر بود مشخص می‌شد.

۱۳ - ص ۶۴ بند ۳ کلمه (اثر) که در متن آمده است در پاورقی توضیحی دارد در صورتی که این واژه در ص ۴۳ آمده بود پس پاورقی آن در همانجا به کار می‌آمد.

۱۴ - ص ۷۴ گویا به علت اشتباه چاپی یا ویراشی بیتی از نصاب‌النصیبان، به صورت نثر نوشته شده است.

۱۵ - ص ۷۲ یادآوری ۴ بهتر بود قبل از یادآوری ۱ می‌آمد چرا که یادآوری ۱ تبصره‌ای است برای شماره ۱۲ و یادآوری ۴. (ر.ک: مبادی العربیه، جلد ۴ شماره ۱۵۴ به بعد).

۱۶ - ص ۷۶ نمونه‌هایی از لغات مشابه را آورده‌اند که واژه‌های آغازی آن گویای این است که استاد محترم از کتاب «قواعد و نکات مهم املائی» نگارش محمد ابّتی، سود جسته‌اند که بهتر بود از این مأخذ یا هر مأخذ دیگری که بهره برده‌اند یاد می‌کردند. نیز تنظیم لغات الفبایی بودن را گویاست در صورتی که عملاً رعایت نشده است.

۱۷ - در همان ص ۷۶ نوشته‌اند که می‌خواهند از لغات مشابه معمول در زبان فارسی مثالهایی بیاورند و حال آنکه اکثر مثالها عربی است چنانکه از مجموع ۴۳۳ واژه مطرح شده، فقط ۲۲ واژه (سه روایت خودشان) فارسی است و ۴۱۱ واژه دیگر غیرفارسی.

۱۸ - برخی از مطالب کتاب تکراری است:

الف) ص ۲۹ بند ۴ دیگر بار در ص ۳۱ شماره ۱ و ص ۳۷ شماره ۱۲ تکرار شده است.

ب) در ص ۳۲ و ۳۳ از اشتقاق سخن رفته است در حالیکه در بخش ۸ ص ۴۷ بحث اشتقاق به صورت گسترده‌تری آمده است.

ج) در ص ۴۴ از بیوسته و نابیوسته نوشتن کلمات سخن به میان آمده است و حال آنکه بخش ۹ ص ۵۳ مختص این موضوع است.

د) در ص ۵۶ بعد از سه ستاره، اگر غرض خلاصه مطالب یاد شده پیشین است از بندهای ۳ و ۴ و ۶ قبلاً ذکر کرده بود تا خلاصه‌ای از آنها گفته آید و اگر بیان مطالبی جدید است بندهای ۱ و ۲ و ۵ تکراری خواهد بود.

ه) در ص ۵۹ در مورد حرف (ی) مطالبی آمده است که در صفحات ۵۴ و ۵۵ و ۵۶، به طور پراکنده، از آنها سخن رفته بود.

در پایان بیان این نکته را واجب می‌دانم که مطالب بالا به هیچ عنوان از زحمات ارزشمند جناب استاد و اثر ارزشمند ایشان نمی‌کاهد چرا که ما فقط نکات درخور اصلاح را - از دیدگاه خود - بررسی کردیم و اگر محاسن آنرا بر می‌شمردیم، دفتری بیش از خود کتاب لازم بود.